

## نقدی بر حکم فقهی «مهلت دوساله پرداخت دیه قتل شبه عمد»<sup>۱</sup>

صدیقه حاتمی\*

علمی - پژوهشی

محمدرضا علمی سولا\*\*

علی اولیائی نژاد\*\*\*

### چکیده

در باب مهلت پرداخت دیه قتل شبه عمد، فتاوای اصحاب امامیه متفاوت است؛ به طوری که تتبع جستار حاضر در آثار مکتوب فقهی، وجود چهار نظریه را در فرض مسئله مورد شناسایی قرار داده است: ۱ - وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت دو سال (دیدگاه مشهور) ۲ - وجوب پرداخت دیه ظرف مدت یک سال (دیدگاه شیخ طوسی در خلاف) ۳ - در صورت تمکن مالی جانی، وجوب پرداخت دیه ظرف مدت یک سال و در صورت عدم تمکن مالی وی، وجوب پرداخت دیه ظرف مدت دو سال (دیدگاه ابن حمزه) ۴ - وجوب پرداخت دیه ظرف مدت سه سال (دیدگاه آیت ... خوئی و برخی از معاصران). گرچه قانونگذار در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی از میان آرای موجود، دیدگاه مشهور را برگزیده است، اما برآیند پژوهش حاضر حاکی از ضعف دیدگاه مزبور است. نوشتار فرارو در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مسئله‌محورانه، پس از تبیین اقوال موجود در مسئله و ارزیابی و تحلیل مستندات آن‌ها، قول به «وجوب پرداخت دیه ظرف سه سال» را قابل دفاع و صائب دانسته است؛ این نظریه اگرچه مخالف برداشت مشهور فقیهان امامی است؛ لکن تعداد زیادی از فقهای معاصر را با خود همراه نموده است.

### واژگان کلیدی:

دیدگاههای مخالف مشهور، دیدگاه مشهور، مهلت پرداخت دیه، قتل شبه عمد.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۸/۱۱/۲۳) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۴/۰۳)

\* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

[se.hatami@ilam.ac.ir](mailto:se.hatami@ilam.ac.ir)

\*\* دانشجویار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

\*\*\* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

## بیان مسئله

یکی از مباحث مربوط به دیه نفس در کتب فقهی، دیه قتل شبه عمد است؛ اکثر فقیهان امامیه معتقدند دیه قتل شبه عمد همانند دیه قتل عمد یکی از اصناف شش‌گانه دیه یعنی: یک‌صد شتر، دویست گاو، یک هزار گوسفند، دویست دست لباس یمنی، یک هزار دینار و یا ده هزار درهم است؛ اما آنچه در این میان مورد اختلاف است مهلت پرداخت دیه قتل شبه عمد است.

مسئله مورد بحث در پژوهش حاضر «مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد» است که با تتبع و دقت نظر در میراث مکتوب فقهی، به طور کلی چهار دیدگاه در فقه امامیه مورد بازشناسی قرار گرفته است:

- ۱ - وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت دو سال (دیدگاه مشهور).
- ۲ - وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت یک سال (دیدگاه شیخ طوسی در خلاف).
- ۳ - دیدگاه تفصیلی: وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت یک سال در صورت تمکن مالی جانی و پرداخت دیه ظرف دو سال در صورت عدم تمکن مالی جانی (دیدگاه ابن حمزه).
- ۴ - وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت سه سال (دیدگاه آیت ا ... خوئی و برخی از معاصران).

سوالی که در این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن هستیم این است که از میان دیدگاه‌های موجود در کتب فقهی در زمینه «مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد» کدامین دیدگاه قابل قبول است؟ و در این مورد تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. در نوشتار فرارو ابتدا دیدگاه‌های موجود در فرض مسئله و مستندات آن‌ها در محک فقه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از ارزیابی تمامی دیدگاه‌ها و مستندات موجود، به تبیین قول مختار پرداخته می‌شود.

## ۱- مبانی پژوهش

### ۱-۱: مفهوم دیه

دیه با کسر ه دال مفرد دیات است و از ریشه «ودی» به معنای راندن و رد کردن است (زیبیدی، ۲۰، ۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۵، ۳۸۳). بسیاری از فقیهان امامیه به‌ویژه فقیهان متقدم، تعریفی برای دیه بیان نکرده‌اند و آن را اصطلاحی بی‌نیاز از تعریف فرض نموده‌اند. شاید این به جهت وضوح معنای لغوی و

عدم جعل اصطلاحی جدید برای این کلمه بوده است؛ برخی دیگر دیه را در به‌طور اعم و مطلق، بر مالی که به سبب جنایت واجب می‌شود، اطلاق می‌کنند، خواه مقدار آن از طرف شارع مشخص شده و خواه مشخص نشده باشد. همانند تعریف امام خمینی در تحریر الوسیله: «دیه مالی است که به سبب جنایت کردن بر نفس یا عضو، واجب می‌شود و فرق نمی‌کند که از طرف شارع میزان آن معین شده باشد یا معین نشده باشد و گاهی دیه بر آنچه معین شده اطلاق می‌گردد، آنچه را معین نشده است ارش یا حکومت می‌نامند.» (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۲، صص ۳). برخی دیگر از فقها برخلاف تعریف فوق، دیه را تنها بر مواردی اطلاق می‌کنند که مقدار آن از طرف شارع معین شده است، همانند تعریف آیه الله خوئی در مبانی تکمله المنهاج: «دیه مالی است که در جنایت بر نفس، اعضا، جرح و یا مانند این‌ها، معین گردیده است.» (خویی، ۱۴۲۳، ۱، ۹۵).

قانون مجازات اسلامی نیز در دو ماده ۱۷ و ۴۴۸ تعریفی جامع و مانع از دیه ارائه نموده است که هر دو تعریف یکسان است. ماده ۱۷: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایجاد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.» و ماده ۴۴۸: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد، مقرر شده است.»

بنابراین از آنچه گذشت چنین به دست می‌آید: دیه مالی است که پرداخت آن به سبب قتل یا ایراد جنایت بر عضو، بر عهده جانی یا قائم‌مقام وی است و باید آن را به مجنی علیه و یا ولی او پرداخت نماید و اگر در شرع، مقدار خاصی برای آن تعیین شده باشد، لفظ دیه به آن اختصاص دارد؛ اما اگر مقدار خاصی برای آن تعیین نشده باشد، لفظ ارش و حکومت به کار برده می‌شود.

در باب تفاوت ماهیت دیه در فقه با حقوق نیز می‌توان چنین اذعان داشت که ماهیت دیه در فقه بیشتر شباهت به امور مالی و دین دارد، اما در حقوق به مجازات شباهت بیشتری دارد تا امور مالی و مدنی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶).

## ۲-۱: انواع قتل

قتل به معنای سلب حیات از انسان دیگر بوده و طبق نظر مشهور فقها و مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به سه دسته قتل عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌شود.

گردد و از آنجا که قانون مجازات اسلامی به صورت جامع تمام اشکال هر کدام از انواع قتل را ذکر نموده لذا در بیان انواع قتل از این قانون استفاده می‌گردد:

۱- قتل عمدی دارای چهار ضابطه می‌باشد: الف- قتلی است که در آن مرتکب قصد قتل فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود. ب- چنانچه مرتکب عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد هر چند قصد ارتکاب قتل و نظیر آن را نداشته است ولی آگاه بوده که فعل انجام شده منجر وقوع قتل یا نظیر آن می‌گردد. ج- چنانچه قاتل فعلی قصد قتل یا نظیر آن را نداشته باشد و فعل ارتكابی وی نیز نسبت به افراد متعارف نوعا موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر موجب قتل می‌گردد مشروط بر اینکه قاتل به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. د- هر گاه قاتل قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون اینکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود مانند بمب گذاری در اماکن عمومی

۲- قتل شبه عمد دارای سه ضابطه می‌باشد: الف- هر گاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایت عمدی می‌گردد نباشد. ب- هر گاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند اینکه قصد قتل انسان مهدور الدم را داشته و بعدا مشخص می‌شود وی محقون الدم بوده است. پ- هر گاه قتل به سبب تقصیر قاتل واقع شود مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

۳- قتل خطای محض دارای سه ضابطه زیر می‌باشد: الف- قتل در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود. ب- به وسیله صغیر یا مجنون واقع شود. ج- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد قتل مقتول را داشته و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر وی را داشته باشد مانند اینکه تیری به قصد شکار رها کند و به انسانی اصابت کرده و به قتل برسد.

## ۲- دیدگاه‌های فقهی راجع به مهلت دیه قتل شبه عمد

در مورد مهلت پرداخت دیه قتل شبه عمد چهار دیدگاه از میان کتب فقهی یافت شده است:

## ۲-۱: دیدگاه مشهور

مشهور فقیهان امامیه در این گروه قرار می گیرند. ایشان معتقدند مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمد توسط جانی ظرف مدت دو سال است، یعنی حد وسط زمان پرداخت دیه قتل عمد که یک سال و دیه قتل خطائی که سه سال است. کلمات فقیهان در معرفی این دیدگاه متفاوت است. برخی از ایشان با لفظ «مشهور» از آن یاد کرده اند (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳، ۹، ۲۹۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۰، ۴۳۹؛ صیمری، ۱۴۲۰، ۴، ۴۲۰؛ ابن ادریس در سرائر آن را «جماعی» و برخی نیز آن را قولی «بدون خلاف» معرفی نموده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳، ۳۲۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۶۲۰).

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز در این زمینه در ذیل ماده ۴۸۸ از نظریه مشهور پیروی نموده است. این ماده مقرر می دارد: «مهلت پرداخت دیه، از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است، مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد: الف - در عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری. ب - در شبه عمد، ظرف دو سال قمری. پ - در خطای محض، ظرف سه سال قمری».

ظاهراً شیخ مفید در «المقنعه» نخستین فقیهی است که به این دیدگاه گرایش پیدا کرده است و پس از ایشان بسیاری از فقها از وی پیروی کرده و مسئله را به نقل از ایشان بیان می کنند. صریح کلام وی چنین است: «دیه قتل شبه عمد در طول دو سال پرداخت می شود» (مفید، ۱۴۱۳، ۷۳۶). شیخ طوسی در «مبسوط» این دیدگاه را پذیرفته است: «سومین تفاوت دیه قتل عمد و شبه عمد: نزد ما دیه شبه عمد از نظر سن و صفت شترها و همچنین از نظر مهلت پرداخت دیه که دو سال و از مال جانی است، خفیف تر از دیه عمد است» (طوسی، المبسوط، ۱۳۷۸، ۷، ۱۱۵).

سلار دیلمی در المراسم العلویة بیان می دارد: «بین دیه قتل خطایی و شبه عمد تفاوت دیگری وجود دارد و آن این است که دیه خطای محض در سه سال و دیه شبه عمد در دو سال پرداخت می گردد و دیه خطای محض توسط عاقله، اما دیه شبه عمد توسط قاتل پرداخت می گردد.» (سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ۲۳۹) ابن زهره نیز در «غنیه» به این دیدگاه گرویده است (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۱۳).

علامه حلی فقیه کثیرالتالیف در آثار مختلف فقهی خود (علامه حلی، تحریر الاحکام، ۱۴۲۰، ۵، ۵۶۶؛ تبصره المتعلمین، ۱۴۱۱، ۱۹۹؛ قواعد الاحکام، ۱۴۱۳، ۳، ۶۶۷؛ ارشاد الاذهان، ۱۴۱۰، ۲، ۲۳۳؛ مختلف الشیعه، ۱۴۱۳، ۹، ۲۹۳) و شهید اول در «اللمعه دمشقیه» (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۷۸) از دیدگاه

مشهور پیروی نموده‌اند.

سید محمدجواد عاملی در «مفتاح الکرامه» پس از بیان و تحلیل اقوال موجود در فرض مسئله، نهایتاً دیدگاه مشهور را معتمد اعلام نموده است (حسینی عاملی، ۱۳۲۶، ۱۰، ۳۱۶). محمدجواد مغنیه در «فقه الامام الصادق» بدین صورت اظهار نظر می‌نماید: «دیه عمد با دیه شبه عمد در دو امر با هم تفاوت دارند: اول در سن شترها نه در تعداد آن‌ها؛ یعنی در کیفیت شترها و نه در کمیت آن‌ها. دوم اینکه در قتل عمد به جانی یک سال جهت ادای دیه فرصت داده می‌شود، اما در شبه عمد دو سال به وی فرصت داده می‌شود.» (مغنیه، ۱۴۲۱، ۶، ۳۴۲).

امام خمینی نیز در «تحریر الوسیله» قول مشهور را جانب احتیاط دانسته است: «احوط برای جانی آن است که این دیه را از دو سال تأخیر نیندازد و احوط برای ولی آن است که به او تا دو سال مهلت بدهد و بعید نیست که گفته شود در دو سال باید پرداخت شود» (خمینی، ۱۴۲۷، ۲، ۵۵۷). آیت ... روحانی در «فقه الصادق» پس از جرح و تعدیل اقوال موجود در مسئله، در نهایت دیدگاه مشهور را أظهر دانسته است (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۶، ۱۸۸).

## ۲-۱-۱: مستندات دیدگاه

پیروان دیدگاه مشهور جهت اثبات مدعی خویش یعنی «مهلت دوساله جهت پرداخت دیه قتل شبه عمد» به ادله ذیل تمسک جسته‌اند:

۱ - اجماع: شیخ طوسی در «مبسوط» بر این قول ادعای اجماع نموده است (طوسی، المبسوط، ۱۳۸۷، ۷، ۱۱۵) و ابن ادریس نیز در سرائر با عبارت «عندنا» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳، ۳۲۲) و ابن زهره در غنیه با عبارت «بلا خلاف عند اصحابنا» (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۱۳) ظاهراً مدعی اجماع شده‌اند.

۲ - اقتضای تفاوت دیه در سه نوع قتل عمد، خطا و شبه عمد: از آنجاکه دیه عمد طی یک سال و دیه خطای محض در طی سه سال پرداخت می‌گردد، لذا دیه شبه عمد که حد وسط میان این دو نوع جنایت است و به عبارتی خفیف‌تر از عمد و شدیدتر از خطای محض است، طبیعی است که ظرف مدت دو سال پرداخت گردد. همچنین همان‌گونه که نوع و سن شتر در دیه قتل عمد (صد شتر مسن)، شبه عمد (در روایات چهار دسته شتر مشخص شده است) و خطای محض متفاوت است، لذا در مهلت پرداخت دیه نیز میان این سه نوع قتل تفاوت وجود دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۴، ۲۲۹؛ علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۴۱۳، ۹، ۲۹۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۰، ۵، ۲۴۸).

## ۲-۱-۲: ارزیابی مستندات

اما بر مستندات دیدگاه مشهور اشکالاتی به قرار ذیل وارد است:

۱ - ایراد بر دلیل «اجماع»: به نظر می‌رسد ادعای فقیهانی که با به‌پیش کشیدن تحقق اجماع در مسئله، درصدد اثبات مدعای خویش برآمده‌اند، خالی از مناقشه نیست؛ زیرا اولاً: موضع بسیاری از متقدمان امامی از قبیل ابن‌ابی‌عقیل عمانی، ابن‌جنید اسکافی، شیخ صدوق و سید مرتضی در فرض مسئله مشخص نیست؛ باین‌وجود چگونه می‌توان در چنین حالتی ادعای اجماع نمود؟ ثانیاً: شیخ طوسی که خود از مدعیان اجماع است، در کتاب دیگر خویش (خلاف) عقیده متفاوت یعنی «وجوب پرداخت دیه قتل شبه عمد ظرف مدت یک سال» را ابراز کرده است؛ ثالثاً: حتی با پذیرش مطلب فوق و قبول تحقق اجماع، با محذور دیگری مواجه خواهیم شد و آن اینکه به دلیل مدرکی یا دست‌کم احتمال مدرکی بودن (وجود شهرت) کاشفیت اجماع به شدت محل تردید خواهد بود؛ زیرا برخی از فقیهان اجماع مزبور را مؤیدی بر شهرت حاصل‌شده در فرض مسئله می‌دانند (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ۴۳، ۲۲)؛ لذا ارزش اجماع مدرکی همانند ارزش مدرک آن است و جز آن اعتبار دیگری ندارد؛ بنابراین همان‌گونه که برخی از فقها (خوئی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۱؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۴۲۹، ۳۱) نیز تصریح نموده‌اند چنین اجماعی محقق نشده است.

۲ - ایراد بر دلیل «اقتضای تفاوت دیه در سه نوع قتل عمد، خطا و شبه‌عمد»: بسیاری از فقیهان دلیل مزبور را برنتابیده و با اشکال متفاوتی با آن مخالفت نموده‌اند، بدین صورت: آنچه در توجیه این قول گفته شده است، مبنی بر حد وسط بودن دیه شبه‌عمد نسبت به دیه عمد و خطای محض، صرفاً یک استحسان محض است که مورد پذیرش فقه امامیه نیست (خوئی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۱؛ فاضل‌لنکرانی، ۱۴۲۹، ۳۱) و یا به عبارتی وجوه مذکور جهت توجیه قول مشهور، تماماً وجوهی اعتباری بوده که صلاحیت اثبات حکم شرعی را ندارند (خوانساری، ۱۴۰۵، ۶، ۱۷۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۸۸).

## ۲-۲: دیدگاه شیخ طوسی در «خلاف»

شیخ طوسی در باب مهلت پرداخت دیه قتل شبه‌عمد، گرچه در کتاب «مبسوط» پیرو دیدگاه مشهور است، اما ایشان در کتاب «خلاف» برخلاف مشهور، قائل به مهلت یک سال شده‌اند (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷، ۵، ۲۲۱). اما این دیدگاه مورد اقبال فقهای پس از ایشان قرار نگرفته و تا عصر

معاصر پیروی را به همراه نداشته است.

## ۲-۲-۱: مستندات و ارزیابی آنها

شیخ طوسی بر این قول به دو دلیل اجماع و روایات استناد نموده است (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷، ۵، ۲۲۱). اما بر این مستندات اشکالات ذیل وارد است:

۱ - ایراد بر دلیل «اجماع»: اجماع مورد ادعای وی در «خلاف» قابل پذیرش نیست، زیرا وی در این قول منفرد است و هیچ فقیهی به این دیدگاه متمایل نشده و چه بسا شیخ طوسی خود نیز در مبسوط با مشهور هم‌نظر شده است.

۲ - ایراد بر دلیل «روایات»: با تتبع و دقت نظر در کتب روایی و فقهی، هیچ روایتی که دلالت بر لزوم پرداخت دیه شبه عمد طی مدت یک سال داشته باشد، یافت نشد.

## ۲-۳: دیدگاه تفصیلی ابن حمزه

ابن حمزه در «الوسیله» تفصیلی ارائه نموده است که در واقع به نظر می‌رسد ترکیبی از دو دیدگاه پیشین است؛ گویی ایشان جهت رفع اختلافات میان اقوال موجود، با ارائه چنین دیدگاهی درصدد جمع میان آنها برآمده است؛ بدین صورت که در صورت موسر و متمکن بودن جانی، دیه باید ظرف مدت یک سال پرداخت شود؛ اما در صورت معسر و عدم تمکن مالی جانی، می‌تواند آن را ظرف مدت دو سال بپردازد. (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۴۴۱)

دیدگاه ابن حمزه مورد اقبال فقهای بعدی واقع نشده و پس از ایشان هیچ فقیهی به این دیدگاه گرایش پیدا نکرده است؛ شاید بتوان چنین گفت که دلیل عدم گرایش فقها به این قول، بدون مستند و دلیل بودن آن باشد، زیرا با تتبع نویسندگان در تمام آثار مکتوب فقهی هیچ‌گونه دلیلی بر آن یافت نشد و چه بسا برخی از فقها نیز به عدم وجود دلیل و مستند بر این دیدگاه تصریح نموده‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۴۳، ۲۲؛ خویی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۱).

## ۲-۴: دیدگاه آیت‌الله خویی

گروهی از فقیهان معاصر امامیه معتقدند که قول مشهور، قولی بدون دلیل است، بلکه دیه قتل شبه عمد همانند دیه قتل خطای محض در طول مدت سه سال پرداخت می‌گردد.

اولین فقیه معاصر که بدین دیدگاه روی آورده، آیت ا... خویی در «مبانی تکملة المنهاج» است، صریح کلام ایشان چنین است: «نظر مشهور فقها این است که دیه قتل شبه عمد در طول دو سال



پرداخت می‌شود، ولی دلیلی بر این مطلب وجود ندارد و بلکه ظاهر این است که در طول سه سال پرداخت می‌شود» (خویی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۰). پس از ایشان، فاضل لنکرانی نیز در «تفصیل الشریعه» پس از رد دیدگاه‌های مشهور و ابن حمزه، دیدگاه مزبور را تأیید نموده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹، ۳۲).

آیت ا ... جواد تبریزی در دو موضع از کتاب «تنقیح مبانی الاحکام» (تبریزی، ۱۴۲۸، ۲۶ و ۲۹)، محمد اسحاق فیاض در «منهاج الصالحین» (فیاض، ۱۳۷۸، ۳، ۳۸۵ و ۳۸۶)، محمدباقر ایروانی در «دروس تمهیدیه» (ایروانی، ۱۴۲۷، ۳، ۳۴۱)، محمد سعید حکیم در «منهاج الصالحین» (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵، ۳، ۲۹۴) و وحید خراسانی در «منهاج الصالحین» (وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ۳، ۵۴۸) همگی از فقیهان پیرو این نظریه هستند.

## ۲-۴-۱: مستندات دیدگاه

پیروان این دیدگاه، به ادله ذیل استناد نموده‌اند:

۱ - اطلاق صحیحه ابو ولاد (خویی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۱): امام صادق (ع) فرمودند حضرت علی (ع) می‌فرمودند: «دیه خطا در طول سه سال و دیه عمد در طول یک سال پرداخت می‌شود.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۹، ۲۰۵) کیفیت استدلال چنین است که عبارت «خطا» در روایت مزبور مطلق است و هر دو نوع خطای محض و خطای شبه عمد را که نام دیگر شبه عمد است، شامل می‌گردد و عدم تعرض روایت مزبور به دیه قتل شبه عمد، دلیلی است بر اینکه مراد روایت از دیه خطا که در آن حکم به وجوب پرداخت دیه در طی مدت سه سال شده است، صرفاً خطای محض نیست، بلکه اعم از آن و شبه عمد است، لذا شامل هر دو صورت خطای محض و خطای شبه عمد می‌شود، چراکه در غیر این صورت لازم می‌آید که روایت حکم قتل شبه عمد را مسکوت گذاشته باشد و از طرف دیگر، ملحق نمودن حکم مهلت پرداخت دیه قتل شبه عمد به دیه قتل عمد (فرصت یک‌ساله)، قولی خلاف مشهور و شاذ است که پیش‌تر اشاره شد بر این قول دلیلی وجود ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹، ۳۱).

۲ - اصل برائت: بر فرض چشم‌پوشی از اطلاق صحیحه ابوولاد، اصل برائت حاکی از این است که پرداخت دیه شبه عمد در کمتر از سه سال واجب نیست (خویی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۴۱). به عبارتی مقتضای اصل عملی در صورت شک در وجوب پرداخت دیه شبه عمد در کمتر از سه سال، برائت ذمه قاتل از

۱. «تُسْتَأَدَى دِيَةُ الْخَطَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ وَ تُسْتَأَدَى دِيَةُ الْعَمْدِ فِي سَنَةٍ.»

چنین وجوبی است (تبریزی، ۱۴۲۸، ۲۶).

## ۲-۴-۲: ارزیابی مستندات

بر ادله دیدگاه مرحوم خوئی و سایر پیروانش اشکالاتی به قرار ذیل وارد شده است، گرچه این اشکالات همگی قابل مناقشه است:

۱ - ایراد بر دلیل «اطلاق صحیحہ ابو ولاد»: آیت ... روحانی در «فقه الصادق» چنین اذعان نموده که اطلاق صحیحہ ابوولاد با اجماع مزبور در فرض مسئله، قابل تنقید به دیه خطای محض است (روحانی، ۱۴۱۲، ۲۶، ۱۸۸) و یا به عبارتی ممکن است اشکال شود که چنین اطلاقی از روایت ابوولاد قابل استنتاج نیست و بلکه عبارت «خطا» در این روایت، صرفاً خطای محض را در برمی‌گیرد.

اما اشکال فوق وارد نیست، زیرا؛ اولاً: تحقق اجماع در فرض مسئله چنانچه پیش‌تر آمد، محل مناقشه است، به دلیل عدم احراز دیدگاه برخی از فقیهان متقدم و مخالف شیخ طوسی که خود از مدعیان اجماع است، در کتاب دیگر خویش (خلاف) با دیدگاه مشهور و همچنین به دلیل مدرکی یا دست‌کم احتمال مدرکی بودن (وجود شهرت) اجماع. ثانیاً: وجود روایات و آیه‌ای از قرآن کریم که عبارت «خطا» در آن‌ها به صورت عام و مطلق ذکر شده و صراحتاً شامل هر دو نوع خطای محض و خطای شبه عمد می‌شود، می‌تواند مؤیدی بر این مطلب باشد. ازجمله:

أ) اطلاق آیه ۹۲ سوره نساء (ایروانی، ۱۴۲۷، ۳، ۳۳۶): «... هر کس که مؤمنی را به خطا بکشد، باید بنده‌ای مؤمن را آزاد کند و دیه را به خانواده‌اش بدهد...». عبارت «خطا» در آیه مزبور مطلق بوده و شامل هر دو نوع خطای محض و شبه خطا که نام دیگر شبه عمد است، می‌شود.

ب) روایت ابوالعباس از امام صادق (ع): ایشان می‌گویند که «به امام صادق (ع) عرض کردم، فردی را با چیزی که مشابه آن موجب قتل نیست، می‌زنم، امام فرمودند: این نوع قتل خطاست، راوی می‌گوید: پس از آن حضرت سنگ‌ریزه‌ای برداشت و آن را پرت کرد، گفتم: آن را به سمت گوسفندی پرت می‌کنم ولی به مردی اصابت می‌کند، حضرت فرمود: این همان قتل خطایی است که شکی در آن نیست و عمد نیز آن است که با آلتی که مشابه

۱. «... وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ...»

آن کشنده است، بزند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۹، ۳۷ و ۳۸).

۲ - ایراد بر دلیل «اصل براءت»: بر اصل براءت اشکال شده است که باوجود اجماع، دلیلی برای رجوع به اصل نیست (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۹، ۸۳).

از این اشکال نیز می‌توان پاسخ داد که: چنانچه بارها در فرض مسئله مطرح شد، اجماع مزبور مورد اشکال است و به دلیل اشکالات وارد شده بر آن، نمی‌توان از آن به عنوان دلیلی بر قول مشهور استناد نمود.

بنابراین حاصل کلام اینکه با توجه به ایرادات وارده بر دیدگاه‌های «لزوم مهلت دوسال در پرداخت دیه قتل شبه عمد»، «لزوم مهلت یک سال» و «دیدگاه تفصیلی» و قابل توجیه نبودن این ایرادات؛ و از طرفی با توجه به ادله محکم و مؤیدات موجود بر دیدگاه «لزوم مهلت سه سال»، نظریه مزبور قابل دفاع و وجیهه به نظر می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

مطابق آنچه در نوشتار حاضر گذشت، در زمینه مهلت پرداخت دیه قتل شبه‌عمد توسط جانی به اولیای دم مقتول، چهار دیدگاه در فقه امامیه بازشناسی شده است، نخستین دیدگاه متعلق به مشهور امامیه است (لزوم پرداخت دیه قتل شبه‌عمد ظرف مدت دو سال) که ادله استنادی این دیدگاه مورد مناقشه است؛ زیرا اجماع ادعایی بر این قول ناتمام و غیر محقق است و استناد به دلیل اقتضای تفاوت دیه در سه نوع قتل عمد، خطا و شبه‌عمد نیز استحسان محض و از وجوه اعتباری بوده که قابلیت اثبات حکم شرعی را ندارد. دیدگاه نادر و شاذ شیخ طوسی در «خلاف» (لزوم پرداخت دیه قتل شبه‌عمد ظرف مدت یک سال) نیز مورد مناقشه است، زیرا ایشان در این قول منفرد است و حتی در «مبسوط» با مشهور هم عقیده است و روایتی نیز در تأیید این قول در کتب روایتی یافت نشد. دیدگاه تفصیلی ابن حمزه (لزوم پرداخت دیه ظرف یک سال، در صورت تمکن مالی جانی و در صورت عدم تمکن پرداخت دیه ظرف دو سال) نیز به‌طور کلی بلا دلیل بوده و حتی یک دلیل ضعیف نیز در تأیید آن وجود ندارد. با رد سه دیدگاه فوق به نظر می‌رسد تنها دیدگاه قابل دفاع در مسئله قول چهارم (لزوم مهلت سه سال به جانی در پرداخت دیه قتل شبه‌عمد) باشد، به دلیل استناد به اطلاق روایت صحیح

۱. «قُلْتُ لَهُ أَرْمِي الرَّجُلَ بِالسَّيِّءِ الَّذِي لَا يَقْتُلُ مِثْلَهُ قَالَ هَذَا خَطَأٌ ثُمَّ أَخَذَ حَصَاةً صَغِيرَةً فَرَمَى بِهَا قُلْتُ أَرْمِي الشَّاةَ فَأَصِيبُ رَجُلًا قَالَ هَذَا الْخَطَأُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ وَ الْعَمْدُ الَّذِي يَضْرِبُ بِالسَّيِّءِ الَّذِي يَقْتُلُ بِمِثْلِهِ».

ابوولاد که شامل هر دو نوع خطای محض و خطای شبیه به عمد می‌شود و همچنین استناد به اصل برائت. تفسیر به نفع متهم نیز همین نظر را تأیید می‌نماید، زیرا سه سال مهلت دادن به قاتل برای پرداخت دیه به نفع اوست تا دو سال مهلت.

لذا از میان اقوال موجود در مسئله، دیدگاه مرحوم خوئی (دیدگاه چهارم) موجه و مستند به ادله شرعی غیرقابل خدشه است، اما دیدگاه مشهور به دلیل مناقشاتی که بر ادله آن وارد شد، مردود است و شاید از آنجاکه دلیل و مستند موجهی بر این قول نیست، بسیاری از فقها در فرض مسئله ابراز نظر ننموده‌اند و صرفاً به نقل کلام شیخ مفید در این مورد اکتفا نموده‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۴، ۴۶۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۳۱۹). در خاتمه پیشنهاد می‌شود با توجه به دستاوردهای پژوهش، ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که مطابق قول مشهور تدوین شده است، اصلاح گردد.

## منابع و مأخذ

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲. ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ ق). *المهذب فی الفقه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ ق). *الوسیله الی نیل الفضیله*، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی - ره.
۴. ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۱۰ ق). *المقتصر من شرح المختصر*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ق). *مهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. احمدی، قادر، مرادخانی، احمد، احمدی، سید محمد مهدی، عسگری، علیرضا، (۱۳۹۸)، *دیه زن و سیاست حقوقی ایران از تعهد به مبانی فقهی تا موازین حقوق بشری*، فصلنامه پژوهش

۸. ایروانی، باقر (۱۴۲۷ ق). *دروس تمہیدیہ فی الفقہ الاستدلالی علی المذہب الجعفری*، قم: بی‌جا، قم.
۹. تبریزی، جواد (۱۴۲۸ ق). *تنقیح مبانی الاحکام - کتاب الديات*، قم: دار الصدیقہ الشہیدہ سلام‌الله علیہا.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ*، قم: مؤسسہ آل‌البت علیہم‌السلام.
۱۱. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۳۲۶ ق). *مفتاح الکرامہ فی شرح قواعد العلامہ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. خوانساری، احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم: مؤسسہ اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۳. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). *مبانی تکملہ المنہاج*، قم: مؤسسہ احیاء آثار الإمام الخوئی رہ.
۱۴. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۷ ق). *تحریر الوسیلہ*، قم: مؤسسہ مطبوعات دار العلم.
۱۵. روحانی، صادق (۱۴۱۲ ق). *فقہ الصادق علیہ‌السلام*، قم: دار کتاب - مدرسہ امام صادق علیہ‌السلام.
۱۶. سلار دیلمی، حمزہ بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ ق). *المراسم العلویہ و الأحکام النبویہ فی الفقہ الإمامی*، قم: منشورات الحرمین.
۱۷. سبزواری، سیدعبدعلی (۱۴۱۳ ق). *مہذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: مؤسسہ المنار - دفتر حضرت آیہ‌الله، چاپ چہارم.
۱۸. شہید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ق). *اللمعہ الدمشقیہ فی فقہ الإمامیہ*، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیہ.
۱۹. شہید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق) *مسالك الافہام إلى تنقیح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسہ المعارف الإسلامیہ.
۲۰. صیمری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰ ق). *غایہ المرام فی الشرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار الہادی.

۲۱. طباطبائی حکیم، محمد سعید (۱۴۱۵ ق). *منهاج الصالحین*، بیروت: دار الصفوة.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق) *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الايمان*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق). *تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*، قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق) *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق) *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۹ ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیلة*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی قدس سره.
۳۱. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. فیاض، محمد اسحاق (۱۳۷۸). *منهاج الصالحین*، قم: مکتب آیه اله العظمی محمد اسحق فیاض.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۳۴. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ م). *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ق، چاپ دوم.

۳۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). *المقنعه*، قم: کنگرہ جهانی ہزارہ شیخ مفید - رحمۃ اللہ علیہ.
۳۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذہان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۳۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ہفتم.
۳۸. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ ق). *منہاج الصالحین*، قم: مدرسہ امام باقر علیہ السلام.



پژوہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی